

ج

پژوهشگاه ملی ایران

# المعجم الجغرافي للأمبراطورية العثمانية

(دانشنامه جغرافیایی امپراتوری عثمانی)

عصام محمد شحداد

مترجم

دکتر حسین قرچانلو

استاد دانشگاه تهران

تهران، ۱۳۹۷



پژوهشگاه تاریخ اسلام

## المعجم الجغرافی لامپراطوریه العثمانیة

(دانشنامه جغرافیایی امپراتوری عثمانی)

تألیف: س. موستراس

ترجمه و تعلیق عربی: عصام محمد شحادات

مترجم فارسی: دکتر حسین قرچانلو

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیرنشر: خلیل قویدل

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: تقویم

ردیف انتشار: ۸۰

۵۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر (ع)، خیابان شهید عباسپور، خیابان رستگاران، شهریور شرقی، شماره ۹

تلفن: ۰۲۶۷۶۸۶۱ - ۰۲۶۷۶۸۶۰ نمبر: ۸۸۶۷۳۹۸۵۲

web: [www.pte.ac.ir](http://www.pte.ac.ir)

موستراس، س. ۱۸۷۱ م. Mostras, C.

المعجم الجغرافی لامپراطوریه العثمانیة = (دانشنامه جغرافیایی امپراتوری عثمانی) / تالیف س. موستراس؛

ترجمه و تعلیق عربی عصام محمد شحادات؛ مترجم حسین قرچانلو.

تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، انتشارات، ۱۳۹۷.

۴۱۸ ص.

پژوهشکده تاریخ اسلام؛ ۸۰.

9786007398524

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

فروش:

شتاب:

وضعیت فهرست‌نویسی:

یادداشت:

کتاب حاضر از متن عربی تحت عنوان "المعجم الجغرافی لامپراطوریه العثمانیه" به فارسی

برگردانده شده است.

دانشنامه جغرافیایی امپراتوری عثمانی

ترکیه -- فرهنگ جغرافیایی

ترکیه -- تاریخ -- امپراتوری عثمانی، ۱۲۸۸-۱۹۱۸ م.

شحادات، عصام محمد، مترجم

قرچانلو، حسین، ۱۳۹۷-، مترجم

DR۴۴۶/۴۱ ۱۳۹۷

۹۰۵۶/۱۰۰۳

۵۲۰۰۹۲

عنوان دیگر:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

شناسه افزوده:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیوبی:

شماره کتابشناسی ملی:

## سخن اول

تاریخ هر امت و جامعه‌ای بیانگر فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. جامعه اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و عناصری روشن و بدون ابهام است. اهمیت این پیشینه تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، فلسفه و هنر و نقش بی‌بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده دانشگاهها و دانشمندان غربی را نیز در راه تحقیق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است؛ تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به رغم توجه ویژه پژوهشگاه‌های دنیای غرب به اسلام، به علت ناتوانی ذاتی آنها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دور از تحریف به منابع اصیل، و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینه‌ها و پس‌زمینه‌های یک تحقیق علمی جامع، آغاز حرکتی اساسی و همه جانبی از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاش‌های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفت‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شك تغییرات بنیادی در مسیر این گونه مطالعات در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام - که هم اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می‌باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و رشته‌های پیوسته به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آماده همکاری با

همه کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این‌رو، پاسخگویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می‌گیرد، وجهه همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان – به صورت تألیف و یا ترجمه – مانند اثر حاضر، از جمله آنهاست. البته برنامه‌هایی همچون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشستهای علمی تخصصی و حمایت از پژوهش‌های پژوهشی موردنیاز، نیز برای تحقق هدف یاد شده در حال پیگیری و اجراست که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آنها افزایش یابد.

این مرکز، هم‌اکنون با شش گروه علمی و زیر نظر شورای علمی فعالیت می‌کند، که ان شاء الله به زودی تعداد آنها به دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم‌سابقه پژوهشکده، تأسیس دانشنامه جغرافیای تاریخی جهان اسلام است که بزودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یکی از استادان در هفت گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را – تاکنون – همراه با منابع اصلی آن در پایگاه اینترنتی عرضه کرده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکده تاریخ اسلام به وسیله پایگاه اینترنتی خود با همه پژوهشگران و علاقمندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می‌کند. این پایگاه، علاوه بر انعکاس همه فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب‌دهنده فعالیت‌های علمی انجام شده توسط مراکز و اشخاص دیگر در این رشته است. با فعال شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی جامع و همه‌جانبه، که انعکاس‌دهنده همه آثار موجود در زمینه تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد.

علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانه تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال‌تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه تلاشگران در راه حق و حقیقت، آرزوی موقیت می‌کنم.

سیدهادی خامنه‌ای

رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام

## فهرست مطالب

۹ .....	پیشگفتار مترجم فارسی
۱۱ .....	مقدمه ناشر عربی
۱۵ .....	مقدمه مترجم عربی
۲۱ .....	مناطق جغرافیایی کهنه که بارها تکرار شده‌اند
۲۵ .....	مقدمه ناشر متن اصلی (فرانسه)
۲۷ .....	مقدمه نویسنده متن اصلی
۳۳ .....	باب «الف»
۱۲۱ .....	باب «ب»
۱۶۵ .....	باب «پ»
۱۷۵ .....	باب «ت»
۱۸۷ .....	باب «ج»
۱۹۵ .....	باب «چ»
۲۰۳ .....	باب «ح»
۲۱۱ .....	باب «خ»
۲۱۵ .....	باب «د»

۲۳۱	باب «ر»
۲۴۱	باب «ز»
۲۴۵	باب «س»
۲۶۹	باب «ش»
۲۷۳	باب «ص»
۲۸۵	باب «ط»
۳۰۱	باب «ع»
۳۱۱	باب «غ»
۳۱۵	باب «ف»
۳۱۹	باب «ق»
۳۴۹	باب «ک و گ»
۳۶۷	باب «ل»
۳۷۷	باب «م»
۳۹۹	باب «ن»
۴۰۵	باب «و»
۴۰۹	باب «ه»
۴۱۱	باب «ی»

## پیشگفتار مترجم فارسی

کتابی که ترجمة آن از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد، نوشتۀ س. موستراس نویسنده و مستشرق روسی است. وی به عنوان کنسول دولت روس، در ازمیر زندگی می‌کرد و به نوشتن این فرهنگ پر از رژیم اسلامی اقدام کرده است.

در این فرهنگ، درباره نام‌های جغرافیایی شهرهای روزگار فرماتروایی عثمانیان به صورت مختصر و مفید سخن گفته شده است. نمی‌دانم نویسنده این نام‌ها را براساس چه منابعی گردآوری کرده است؛ در حالی که می‌دانیم سخن گفتن درباره نام‌های شهرها و آبادی‌های یک مملکت، کار چندان آسان و به دور از خطأ و لغتش نیست. ای کاش! مترجم عرب‌زبان این اثر که با شهرهای سرزمین‌های عربی و به‌ویژه مملکت خود ناآشنا نیست، اثر موستراس را با شهرها و آبادی‌های سرزمین‌های عربی مقایسه، خطاهای و کمبودهای آن را جبران و کامل می‌کرد تا فرهنگی که به خوانندگان تقدیم می‌شود، اثربخش و به دور از لغتش و خطأ باشد. برای شناسایی این فرهنگ، مترجم عرب‌زبان شرح کاملی درباره موضوع کتاب و اقداماتی که در ترجمة آن انجام داده است، برای استفاده خوانندگان محترم در مقدمه کتاب گوشزد کرده است؛ که دیگر مسئله‌ای باقی نمی‌ماند تا مترجم فارسی‌زبان این اثر به توضیح و تفسیر آن بپردازد.

فرهنگی که پیش روی شماست، براساس ترجمة عربی آن از متن فرانسه (که عصام محمد شحادات انجام داده) ترجمه شده است. نکته قابل ذکر آن است که علاوه بر ترجمة متن اثر، تعلیقات محمد شحادات بر کتاب را نیز ترجمه کرده‌ام و هر جا که مترجم

عرب زبان نسبت به ایران اطلاعات نادرستی داده بود، مانند «خليج فارس» که همه جا به صورت «خليج عرب» ترجمه کرده بود، به تصحیح آن پرداختم و به نام اصلی خودش (خليج فارس) ترجمه کدم. ناگفته نماند که برای برخی از قسمت‌های متن اصلی کتاب که در ترجمه با مشکل مواجه شده بودم، به اصل فرانسه کتاب مراجعه و اصلاح کردم. در پایان از خوانندگان محترم این اثر تقاضا می‌شود اگر لغزشی در ترجمه فارسی این اثر دیدند، مترجم را در جریان قرار دهند تا در رفع آن اقدام شود؛ همچنین برای آنان از درگاه ایزد منان سلامت و عزت مستلت دارم.

دکتر حسین قرچانلو

## مقدمه ناشر عربی

سپاس و درود از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است و برترین درود بر سرورمان محمد و همه خاندان و یاران او باد.

شناسایی هر زبان بدین معناست که انسان به آن زبان آگاه باشد و بتواند موجودیت تازه‌ای به آن بیخشد؛ این موجودیت با تعدد زبان‌ها متعدد می‌شود. ترجمه‌ای که اثری (یا برگردانی) از یک زبان به زبان دیگر می‌باشد نیز به همین گونه است؛ یعنی به کارگیری روش جدید مانند گذشته یا شیوه معلوم.

درباره برگردان‌های استاد عصام محمد شhadat و بهویژه کار ایشان در کتاب حاضر فرهنگ جغرافیایی امپراتور عثمانی باید گفت که این اثر، ترجمة خشک نیست، بلکه در بردارنده بازگشت بنای آن به شکلی است که این اثر (ترجمه) را نه تنها قابل قبول، بلکه موردنیست و مطلوب ساخته است. پس آنچه که ایشان در این کتاب علاوه بر کار ترجمه انجام داده‌اند، پژوهش و اثبات و برهان دقیقی است (در حد توان) که در کار دانش ترجمه و نیز شرح و تعلیق (تحشیه)، بدین اثر افروده و ارائه کرده است.

سزاوار و مفید است که از کلام بهره ببرم و استاد عصام محمد شhadat را «در چند سطر» معرفی کنم:

عصام محمد شhadat، در ۱۹۶۷م. در دمشق زاده شده است. فارغ التحصیل رشته ادبیات فرانسه از دانشگاه دمشق در سال ۱۹۹۲م. در مقطع لیسانس می‌باشد. دارنده دو ساله دیپلم در ترجمه و برگردان به زبان عربی از دانشگاه لیون در سال ۱۹۹۴م. است. در سال ۱۹۹۵م. دیپلم

ترجمه و برگردان به زیان عربی را از دانشگاه دمشق دریافت کرد. به عنوان معتمد در کتابخانه انجمن علمی فرانسه در دمشق، برای تحقیق و مطالعه زبان عربی کار می کرد؛ همچنین به ترجمه آثار زیر پرداخته است.

- مقدمه به زبان فرانسه بر کتاب ۲۰۰ سال در پژوهشکی به کوشش (و تحقیق) فلوریال ساناگوستان، ناشر انجمن (مجمع) فرانسوی برای پژوهش هایی در زبان عربی، دمشق،

سال ۲۰۰۰م.

- مقدمه ترجمه فرانسوی کتاب *إظهار الحق* تأليف رحمت الله هندی که آن را ناظر بر ترجمه و منابع کارلیتی P.v.carletti ، در مجله *البصائر*، شماره ۲۲، ۱۹۹۳م. نوشته است.

- مقدمه ترجمه فرانسوی صحیح بخاری که أ. لیفی بروفنسال، اقدام به ترجمه نسخه خطی آن کرده است.

- پیشگفتار مقالات «خطی مهم صحیح بخاری» که توسط آلفونس منگانا انجام شده است.

- مقالات روزماری کیرینگ - زوخه (خطی):

,Sahih Was edited in The middle asoesi'Ali Al \_ Yunini and his How Al \_ Buhari's, Rosemarie Quiring Zoche \_ rumuz.

- کتاب زندگانی مستشرق الفونس منگاتا ۱۸۷۸-۱۹۳۷، نوشته اب سمیر خلیل، خطی.

- کتاب قراقوش، مساهمه، انتشارات جفان و جانی، سال ۲۰۰۰.

- روایت خاطرات یک الاغ [Les mémoire d'unâne] نوشته کونتس دی سیگور، خطی.

- مقدمه بر کتاب مدارقاموس نوشته إدوارد ویلیام لین و استانلی لین پول، خطی.

همچنین مجموعه‌ای از داستان‌های پلیسی منتشرنشده نویسنده به قرار زیر است:

\* ترور آقای بونسونی براوُن، نوشته مایکل هاریسون.

\* جنایت در خیابان ملکی، نوشته مایکل هاریسون.

\* جنایت در خیابان سان اندریه برای هترمندان، نوشته مایکل هاریسون.

\* آتش‌سوزی خیابان سان آنوریه، نوشته مایکل هاریسون.

\* مردی با چشم‌آجی، نوشته مایکل هاریسون.

- \* در راه سرپلندی و سرفرازی، نوشتۀ مایکل هاریسون.
  - \* داستان دیپلوماسی پنهان، نوشتۀ مایکل هاریسون.
  - \* بازگشت بازرس دوبار، نوشتۀ مایکل هاریسون.
  - \* گنج پنهان، نوشتۀ مایکل هاریسون.
  - \* معمای پوشیده فولتون، نوشتۀ مایکل هاریسون.
  - \* راز آینه طلایی، نوشتۀ مایکل هاریسون.
  - \* خون آشام در خیابان جهنم، نوشتۀ مایکل هاریسون.
  - \* مرگ در خیابان مازارین، نوشتۀ مایکل هاریسون.
- بدون تردید بیشتر ترجمه‌ها به‌طور کامل توسط انتشارات جفان و جابی، قبرس، در چارچوب پروژه‌های چابی منتشر نشده است. خواننده‌گرامی کتابی که پیش‌رو دارید، نمونه‌ای زنده از کار این مترجم و تلاش ایشان است.
- اینجانب برای ایشان آرزوی توفیق روزافزون دارم و امیدوارم که همواره کتاب‌های جدیدی که برای پژوهشگران مفید فایده باشد، ارائه دهد.
- و در پایان، دعوت می‌کنم که خداوند، پروردگار جهانیان را ستایش کنید.

بستان عبدالوهاب جابی

دمشق ۲۰۰۱/۵/۱۹



## مقدمهٔ مترجم عربی

این کتاب که اقدام به انتشار آن کردایم، همان‌طور که از عنوانش پیداست، شامل نواحی جغرافیایی و تاریخی امپراتوری عثمانی است. در این کتاب به بیان سرزمین‌های دولت عثمانی و موقعیت آنها و مرزهایشان و بریدگی‌های آنها همراه با گوشه‌هایی از تاریخ سیاسی، دینی و یا نظامی هر شهر پرداخته شده و گاهی درباره بعضی پیامبران و پادشاهان و سرداران و فاتحان که از این امپراتوری عبور کرده‌اند، سخن گفته شده است.

می‌دانیم که تقسیمات اداری عثمانی هرگز پایدار نبوده است. گاهی مرزهای امارت‌ها (حاکم‌نشین‌ها) و شهرستان‌ها و فرمانروایی‌های این امپراتوری در معرض تغییرات و دگرگونی‌های همیشگی بوده است، اما کمتر اتفاق افتاده است که نام شهر یا آبادی مورد تغییر و دگرگونی واقع شده باشد؛ فقط ممکن است نام‌ها در نوشتار عثمانی و عربی، یا یونانی و زبان‌های دیگر دچار تغییر و دگرگونی شده باشد؛ یا تحریفی در حرکات صوتی صورت پذیرفته است که به اضافه کردن صدایی یا حذف آن کمک می‌کند.

نویسنده ابتدا نام شهرهای عثمانی را (به زبان ترکی، با حروف عربی) آورده، سپس آنها را با حروف لاتین آوانگاری شده آورده است؛ البته گاهی نویسنده نام یونانی آن شهر را با عنوان رومی آن (که نویسنده‌گان فرانسوی از قرن هفدهم تا آغاز قرن بیستم، با به کارگیری نام‌های شناخته‌شده قدیمی این شهرها که در کتاب‌های یونانی و لاتین آمده است، درج کرده‌اند) داخل پرانتز قرار می‌دهد، یا نام‌هایی را که ساکنان یونانی بر این شهرها اطلاق کرده‌اند، به کار می‌گیرد؛ (این همان چیزی است که نویسنده کتاب حاضر در انجام آن دور نشده است).

این اطلاعات، دسترسی ما به موقعیت بعضی از شهرهای مورد بررسی را که به طور پیوسته به نام‌های باستانی شان اشاره می‌شود و امروزه با همان نام‌های قدیمی دوره عثمانی، به مکان سیاحتی تبدیل شده‌اند، آسان کرده است. همچنین گاهی نام مکان متداول میان ساکنان یک منطقه را که در برخی موارد، اختلاف ریشه‌ای با نام عثمانی آن دارد، آورده است؛ هرچند بعضی از شهرها پس از بیرون آمدن از زیر سلطه عثمانی، این نام‌ها را بازپس گرفتند.  
[به همان نام قبلی خود بازگشتند].

نویسنده، فرخ مریع یا زمان را به عنوان معیار سنجش برای تعیین فاصله میان موقعیت‌ها به کار گرفته است و گاهی در تعلیقات (حوالی) برای روشن کردن مرزها، فقط به هنگام ضرورت وارد شده است. نویسنده، تعداد جمعیت بعضی از شهرها را آورده است؛ که این تعداد تا زمان تألیف این فرهنگ یعنی سال ۱۸۷۰م. برآورده شده است.

این جانب در پیگیری نام یک شهر در روزگار کنونی‌مان و چگونگی نوشتار و تلفظ امروزی آن (همچنان که امروزه آن شهر وجود دارد) تلاش کرده‌ام؛ به طور مثال، آیا این نام به طور کلی تغییر کرده است، یا به قبل و بعد از فتح این سرزمین به دست ترکان بازمی‌گردد (به‌ویژه در یونان)؛ یا ترک‌ها امروزه این نامگذاری را به نشانه شاخه‌ای از نام‌های جدید در چاپ‌های اطلس جهانی و مردم همچنان حفظ کرده‌اند (مانند قاندیه = هرآکلیون)؛ به‌ویژه نام مکان‌هایی که در قسمت اروپایی امپراتوری عثمانی (ترکیه جدید، یونان، بالکان، رومانی و غیره) قرار دارند. باید دانست که نویسنده در مورد اسمی بعضی شهرها مرتکب اشتباه شده است، مانند شهرهایی که در منطقه عربی واقع‌اند؛ برای مثال، کیسوه را به جای کسوه و شمسکین را به جای شیخ مسکین آورده است که غلط می‌باشد. چه بسا نویسنده به تلفظ شفاهی اعتماد کرده و دچار ابهام شده است.

من برای مشخص کردن موقعیت رودها و کوه‌هایی که نویسنده آنها را به سبب نزدیک بودن به یک نقطه معلوم و شناخته‌شده، در متن آورده است، کوششی نکرده‌ام. در مشخص کردن بعضی مکان‌ها، بر نام قدیم لاتین شهری که نویسنده (همچنان که در بالا گفته شده) آورده است، اعتماد کرده‌ام. بنابراین در آن مورد به نقشه‌های روزگار رومیان، مانند *Aelassieal Map of Asia Minor, W.M.el ADER& G.BEAN* قدیمی شهر براساس مرزبندی دوره عثمانی که امروزه وجود ندارد، اعتماد کرده‌ام (مانند بریام

و صامسون).

همچنین به مقابله آن اسمی لاتینی براساس فرهنگ فرانسه لاتین، نوشته کیشرات و دوفالوی، چاپ ۵۵ آن پرداختم. نویسنده‌گان این فرهنگ، گاهی نام‌های شهرهای قدیمی و اینکه در کجا واقع شده‌اند را آورده‌اند. این فرهنگ مرا در نوشتمن این اثر بسیار یاری رسانید. در این فرهنگ مأخذی آورده شده است که نویسنده‌گان آن با شماره‌هایی میان کروشه (یا پرانتز) مشخص کرده بودند، من نیز به مانند مأخذ دیگری که در کتاب آورده‌ام، بدان‌ها اشاره کردم. همچنین نام برخی مکان‌ها را به صورت لاتینی آن آورده‌ام؛ یعنی همان گونه که نویسنده خواسته است. البته در این امر نیز احتمال اشتباه یا درستی مکان‌ها وجود دارد، اما من در حد امکان در پاورقی‌ها این مواد را تصحیح کرده‌ام. گاهی نیز برای درج ضمیمه‌ای (یا تعلیقه‌ای) بنایار دستی در متن برده‌ام (برای مشخص کردن هرچه دقیق‌تر موقعیت؛ مثلاً [شمال]، یا مشخص کردن فاصله میان دو محل: [صد کیلومتر]).

ما ناگزیریم به آنچه که به شهرهای فلسطین (که در انجیل آمده است) مربوط می‌شود اعتماد کنیم؛ به اعتبار آنچه که می‌بینیم؛ زیرا مرزبندی بیشتر این مکان‌ها تا به امروز به دقت انجام نشده است و قسمت زیادی از آنچه که به اتمام رسیده، مرزبندی فرضی است. در مورد رسم الخط‌های شهرهای فلسطین کتونی، به کتاب *Gazatteey ot Israel* و کتابی چون سرزمنی ما فلسطین نوشته مصطفی دیاغ اعتماد کرده‌ایم. در مورد آنچه که به اساطیر یونان مربوط می‌شود، به ترجمة عربی فرهنگ اساطیر یونان به کوشش سهیل عثمان و عبدالرزاق أصفر (از مطبوعات وزارت فرهنگ سوریه، ۱۹۸۲م) اعتماد کرده‌ام. گاهی برای تصحیح یا تکمیل برخی متون ترجمه شده در این کتاب، به مأخذ فرانسوی دیگری مراجعه کرده‌ام که به نظرم کامل‌تر و جدیدتر بود؛ یعنی در حقیقت، میان مأخذ چاپ وزارت فرهنگ و مأخذ خودم آمیختگی ایجاد کردم. این کار را بسیار در پاورقی‌ها اعمال کرده و در نوشتمن یک پاورقی، فقط به یک مأخذ بسته نکردم، بلکه پیوسته آمیزه‌ای از مأخذ را اعمال کرده‌ام.

این امر را به بیان نام مأخذی که بدان‌ها رجوع کرده بودم، تشویق کرد. خداوند را سپاس می‌گوییم که کتابخانه غنی و سرشار از مأخذ انجمن علمی فرانسه، برای بررسی زبان عربی در دمشق که بی نیاز از تعریف است، برایم فراهم شد که بدون آن هرگز نمی‌توانستم این ترجمه را به اتمام برسانم.

من مآخذ را از شماره ۱ تا ۸۸ شماره گذاری کرده، سپس به آنها با همین شماره‌ها در کروشه (یا پراتنز) اشاره کرده‌ام و هر جاییز بود در پاورقی آورده‌ام. همان‌طور که در تحقیق و بررسی موقعیت‌ها و نگارش پاورقی برای آنها، بر مجموعه‌ای از نقشه‌های قدیمی و جدید تکیه کرده بودم، آنها را نیز از ۱ تا ۱۸ شماره گذاری کرده و لیستی از مآخذ را به آن افرودم؛ علاوه بر این، از نقشه‌های ضمیمه کتاب‌ها هم بهره برده‌ام.

در بعضی از پاورقی‌ها شکل و یا نامی دیگر برای موضوعی ارائه کرده‌ام بدون اینکه مأخذی بیان کنم؛ در این حال کتاب ممالک عثمانی جیب اطلاسی نوشته «ابراهیم حلمی تجارتزاده» و قاموس الأعلام نوشته «شمس الدین سامی» منظور نظر بوده است. به علت تکراری بودن برخی نام‌ها در این اثر، رنج بسیاری را متحمل شدم؛ برای مثال بیش از پنج رود با عنوان «وجه جای و تعداد زیادی از شهرهای دوره یونانی با عنوان نیکوبولس، یا قیصریه و غیره وجود داشت که مشخص کردن آن، یا در ک مقصود نویسنده از آن، بسیار دشوار بود. مشکل دیگری که با آن روبرو بودم، امکان برگرداندن اسمی لاتین به عربی با آشکال بود: نیقوسور، نقفور، نیسیفور Nicéphore

من با وجود مآخذ فراوانی که در دست داشتم، به ۱۷۸ موضوع از اصل ۱۹۹۸ (موضوعی که کتاب را تشکیل می‌داد) دسترسی نیافم؛ از جمله این موضوعات نام‌های برخی رودها و کوه‌ها بود. چه بسا برخی از شهرهایی که درباره آنها در پاورقی‌ها آورده‌ام «وجود داشته است»، با وجود نقشه‌های فراوانی که در دست داشتم، تا به امروز هرگز با آنها برخورد نکرده‌ام. مختصات برخی از شهرها را نیاورده‌ام؛ زیرا این مختصات از روی نقشه‌ها و اطلس‌هایی که به آنها مراجعه کرده‌ام افتاده بود؛ با وجود آنکه مکان آن شهر روی نقشه تعریف شده بود، مانند شمندلی.

یک سؤال باقی می‌ماند: چرا نویسنده کتاب فقط این شهرها را برگزیده و شهرهای دیگر را نیاورده است؟ شاید به این دلیل که از نظر وی این شهرها از اهمیت و جایگاه شایسته‌تری برخوردار بوده‌اند. چه بسا نویسنده نام شهرهایی را که از بین رفته، آورده است که فقط پیشینه تاریخی و یا دینی داشته‌اند (مانند سردیس). نویسنده در برخی موارد دچار اشتباہ شده است که من بدان‌ها اشاره کرده‌ام و در حد توانم سعی کردم آنها را تصحیح کنم؛ برای مثال، می‌گوید این سرزمین در غرب فلان سرزمین واقع شده است، حال آنکه در واقع در شرق آن

قرار دارد؛ یا در غرب فلان کوه یا شمال (فلان) رود واقع است که در واقع شرق یا جنوب آن قرار گرفته بود.

گاهی نیز یک شهر را دو بار آورده که با دو رسم الخط متفاوت است، به این گمان که این دو شهر مختلف می‌باشند. همچنان که پیشتر گفتم، در نوشتن نامها نیز دچار اشتباه شده است؛ مانند کیسوه به جای کسوة. البته برخی اشتباهات چاپی هم در متن دیده می‌شود که به دلیل چاپی بودن به آنها اشاره نکرده‌ام.

نویسنده در برخی موارد توضیحات آشکار و بدیهی آورده؛ مثلاً در مورد «أرواد» گفته است: هنوز امکان دیدن نوشته‌های رومی روی برخی از درهای آن وجود دارد؛ و این چیزی است که امکان دارد در بیشتر شهرهایی که در فرهنگ‌ها آمده است و از نظر تاریخی و آثار باستانی بسیار غنی‌اند، قابل روئیت بوده باشد.

در این کتاب، فهرست کاملی مشتمل بر نامهای اعلام، چه اشخاص و چه شهرها، کوهها و رودها و چه آنهایی که در متن کتاب آمده و آنهایی که در پاورقی‌ها ذکر شده و همچنین نامهای جدید شهرها یا رود همراه با نامهای قدیمی لاتین آنها که نویسنده در متن داخل پرانتز آورده، ارائه شده است.

آنچه را که به نقشه‌ها مربوط است، آنجا که از میان رفته، شخصاً به کشیدن آن اقدام کرده و در این راه به طور اساسی به نقشه‌های *Atlas Britannica*، چاپ ۱۹۴۷ م. اعتماد کرده‌ام؛ سپس تمامی شهرهایی را که در فرهنگ آمده، به جز آنهایی را که اصلاً موفق به دسترسی آنها نشده‌ام، مشخص کرده و علامت گذاری کرده‌ام.

علامت (\*) را در مقابل موضوعات تکراری کتاب (که نویسنده جایی را بدان‌ها اختصاص داده و پرداخته است) گذاشتمن.

در متن کتاب بسیاری از مناطق جغرافیایی قدیمی بیان شده است. قسمتی از آنها را که بارها تکرار شده بود، در آغاز کتاب آورده‌ام، اما قسمت دیگری را که تکراری نبود، در جای خود به شرح و توضیح آنها پرداخته‌ام. آرزومند بودم موضوعات کتاب را با مأخذ جغرافیایی عربی مقابله کنم و در پاورقی‌ها موضوعات را با شرح بیشتری ارائه دهم، اما جز در موارد اندکی که پاورقی آنها را از معجم البلدان یاقوت یا الموسوعة الاسلامية آوردم، به این امر نپرداخته‌ام.

در پایان از تمامی کسانی که در ارائه این فرهنگ و این کار طولانی، اما لذت‌بخش مرا یاری داده و رهنماییم بوده‌اند، تشکر می‌کنم و اعتراف می‌کنم که زبان از بیان سپاس در حق آنان قادر است؛ لذا به همین اکتفا می‌کنم که از خداوند برای آنان درخواست خیر کنم. در این راستا به‌ویژه از استاد بسّام عبدالوهاب جایی که یدی طولانی در تشویق و هدایت علمی و معنوی من داشته‌اند، سپاسگزاری می‌کنم. خداوند ماوراء هر هدفی است.

عصام محمد شحادات

دمشق شام

۲۰۰۱ (می) آیار

## مناطق جغرافیایی کهنه که بارها تکرار شده‌اند

\* آناتولی(آناتولی) ← آناضول: شبہ جزیره مستطیل‌شکلی است که از شمال به دریای سیاه، از غرب به دریای اژه، از جنوب به دریای مدیترانه و از شرق به کوه‌های ارمنستان محدود می‌شود. درازای آن از غرب به شرق تقریباً هزار کیلومتر و از شمال به جنوب حدود ۴۵۰ تا ۶۵۰ کیلومتر می‌رسد. آناتولی میان دو خط عرضی ۳۶ و ۴۳ درجه واقع شده که با اندلس و سیسیل روی یک خط قرار دارد. آناتولی سرزمینی هموار و مایل به شمال غرب است که با رشته کوه‌های مرتفع احاطه شده است. جغرافی دانان عرب و ترک همواره تا بعد از دوره عثمانی، به آن بلاد روم می‌گفتند.

ریشه کلمه، یونانی بیزانسی است و بر تقسیم اداری در امپراتوری بیزانس دلالت دارد. با گسترش فتوحات عثمانی، این نام جای خود را به آناضولو (Anadolu) به زبان ترکی دارد. این نام ابتدا شامل آناتولی غربی می‌شد، اما با تقسیم دوباره ولایات در دوره تنظیمات (در نیمة قرن نوزده میلادی)، آناتولی نامی بود که فقط به خود شبہ جزیره اطلاق می‌شد (تقریباً تا خط تراپوزان - آرزنجان - برچق - اسکندرونه)، و به گفته ترکان، امروزه آناتولی قسمت آسیایی ترکیه کنونی است با مناطق فراسوی بین‌النهرین (جزیره «دیاربکر» و ارمینیه «قارص») به جز جزیره‌های دریای اژه.

\* اپیروس Epeiros یا إبييرو Ipiro: یک منطقه کوهستانی در شبہ جزیره بالکان که شامل قسمت شمال غربی یونان، شمال خلیج آرته Arta و جنوب آلبانی است. از شرق با رشته کوه‌های بندس(پنیروس) Pinde احاطه شده است که آن را از منطقه تسالیا و مقدونیه

جدا می‌کند. مهم‌ترین شهرهای آن شامل آرته Arta، ایوانیا Ioannina و سولی Souli است. اپیروس حدود قرن چهارم قبل از میلاد شکل گرفت. سپس حدود ۱۴۸ م. به روم و پس از آن به بیزانس پیوست (۱۳۱۸-۱۲۰۵ م). ترک‌ها سال ۱۴۰۳ م. بر آنجا حکومت کردند. این منطقه شاهد جنبش‌های متعددی بوده است، مانند (اسکندریک، علی پاشا). در سال ۱۸۸۱ م. طی جنگ بالکان، قسمتی از اپیروس ضمیمه یونان و قسمت شمالی آن به آلبانی داده شد.

\* **تسالیه Thessalia**: منطقه‌ای در شمال یونان؛ دشت وسیعی است که توسط کوه‌ها احاطه شده است. در شمال آن کوه اولمپ و رشته کوه کامفونیا<sup>۱</sup> قرار دارد که آن را از مقدونیه جدا می‌کند و در غرب آن کوههای بندس «پیندوس»<sup>۲</sup> واقع است که آن را از منطقه اپیرس Epeiros مشخص می‌کند؛ در جنوب آن کوه اوثریس قرار گرفته و در شرق آن کوه‌های اوسا Ossa و پلیون Pelion واقع می‌باشند که میان اپیروس و ساحل قرار گرفته است. این منطقه به‌وسیله رود پینوس و کانال‌ها و شاخابه‌هایش که در کنار خلیج ولوس Volos واقع است، آبیاری می‌شود. کهن‌ترین دژهای یونان در تسالیه (عصر سنگ) بوده است. بیلاسیج‌ها که حدود ۲۶۰۰ ق.م. از آسیای صغیر آمده بودند، در آنجا اقامت گزیدند و بعد از آنها هلنستین‌ها (یونانیان) (ممکن است دو ملت با یکدیگر آمیخته شده باشند) در این منطقه ساکن شدند. بعد از جنگ تروا نیز دوری‌ها در آنجا سکنا گزیدند. فیلیپ دوم این منطقه را در هم کویید، سپس آن را حدود ۳۴۲ ق.م. به مقدونیه ضمیمه کرد. بعد آن را در سال ۱۴۶ ق.م. به اقلیم مقدونیه رومانی ضمیمه کرد. این منطقه در سال ۱۳۴۹ م. ضمیمه امپراتوری بیزانس شد، بعد از آن در ۱۳۴۹ م. به امپراتوری صربستان ضمیمه شد. ترکان در سال ۱۳۹۳ م. به آنجا وارد شدند. سال ۱۸۸۱ م. به‌طور کامل به یونان مستقل پیوست.

\* **پسیدیه Pisidie**: منطقه‌ای کهن در آسیای صغیر که در جنوب غرب دشت مرکزی واقع شده است. از سمت شمال به فریگیه و از سمت جنوب به پامفولیا محدود می‌شود. در این سرزمین آبگیر دریاچه‌های (دریاچه بوردو، اکردر و غیره) بسیاری وجود دارد که میان کوه‌ها فاصله اندخته است. در بخش جنوبی این منطقه، راههای ارتباطی که از آناتولی به نوار ساحلی می‌گذرد، مسیر کوه‌های توروس را به دو پاره می‌کند. این منطقه حدود سال ۱۰۳ م.

۱ Camvounia

۲ Pinde

- |   |           |
|---|-----------|
| 1 | Karia     |
| 2 | Pamphilia |
| 3 | Solymes   |
| 4 | Lyciens   |

ገንዘብ ተችሱም ተስተካክለሁ

እዚህ ማረጋገጫ የተስተካክለ አይደለም፡ ይህ መዝገብ የዚሁ መድረግ የሚፈጸመ ፈቃድ ተስተካክለ ብቃር የተመለከተ የመትና ተከራክር ስርዓት ተስተካክለ ነው፡ (ሁ- ፲፭፻፭-፳፯፭) እና የዚሁ መድረግ የሚፈጸመ የሚከተሉ ጥሩ በመስጠት ደንብ ተስተካክለ ብቃር የሚፈጸመ የሚከተሉ ስርዓት ነው፡ ይህ ማረጋገጫ የሚፈጸመ የሚከተሉ ስርዓት ነው፡ እና የሚቀረበው ተስተካክለ አይደለም፡ ይህ ማረጋገጫ የሚፈጸመ የሚከተሉ ስርዓት ነው፡ ይህ ማረጋገጫ የሚፈጸመ የሚከተሉ ስርዓት ነው፡ ይህ ማረጋገጫ የሚፈጸመ የሚከተሉ ስርዓት ነው፡

የሚፈጸመው የሚከተሉ ስርዓት ነው፡ የሚቀረበው የሚፈጸመው የሚከተሉ ስርዓት ነው፡ \* የሚከተሉ ስርዓት ነው፡ የሚቀረበው የሚፈጸመው የሚከተሉ ስርዓት ነው፡

የሚፈጸመው የሚከተሉ ስርዓት ነው፡ የሚቀረበው የሚፈጸመው የሚከተሉ ስርዓት ነው፡ \* የሚቀረበው የሚፈጸመው የሚከተሉ ስርዓት ነው፡ የሚቀረበው የሚፈጸመው የሚከተሉ ስርዓት ነው፡

از نظر جغرافیایی این منطقه دشت وسیعی است که رود أسنچای (در گذشته: إكسانتوس Xanthos) آن را در می‌نوردیده است. در این دشت رشته‌کوه‌های بلند و سر به فلک کشیده (آق طاغ: ۳۰۲۴ م، بای طاغلری: ۳۰۸۶ م) تا به سرازیری‌های بلندی که در دریا هست متهی می‌شود. این ارتفاعات، این سرزمین را به آبگیرهای گلی که حدود هزار تا ۱۲۰۰ متر عمق دارند، تقسیم می‌کند. این دشت‌های مرتفع واقع در مرزهای امپراتوری بیزانس، پناهگاه خوبی برای ترکان کوچ‌نشین تشکیل می‌دادند. هستی آنان به برپایی زندگی شیوه به بدويان (آنان که زمستان را در دشت‌های ساحلی می‌گذراندند) و به سمت پیشرفت روستاهای دوگانه که پیوسته بر زندگی ساکنان این سرزمین سیطره افکنده، تغییر یافت. در نهایت زراعت (پنبه، مرکبات) نیز در این منطقه پیشرفت کرد.

\* بیشنیه: **Bithynie**: منطقه‌ای باستانی در شمال غربی آسیای صغیر که شامل مناطق واقع در شرق و جنوب شرقی دریای مرمره، دشت پست رود سقاریه و دشت بروسا می‌شود که میان آن دو را رشته‌کوه‌های عملقه (أولوطاغ=Aولوطپ بیشنیه، ۲۵۴۳ م) از هم جدا می‌کند. در این دشت دریاچه‌ها و آبراهه‌های بسیاری وجود دارد. ساکنان این منطقه اصالتاً از تراکیه می‌باشند. در ابتدا دولت مستقلی تشکیل دادند و با جهان یونانی جز در دوران نیکومیدس اول (حدود ۲۸۱-۲۵۰ ق.م) ارتباطی نداشتند. پروسیاس<sup>۱</sup> اول و پروسیاس دوم بر آن منطقه فرمانروایی کردند، تا اینکه آتالوس دوم پادشاه پرگام او را از تخت سلطنت پایین کشید. نیکومیدس سوم وصیت کرد که مملکتش جزء روم شود. حدود سال ۷۴ م. بیشنیه جزو سرزمین روم شد؛ تا اینکه در اوآخر قرن سیزده میلادی تحت تسلط ترکان عثمانی قرار گرفت.

#### مترجم شhadat

## مقدمه ناشر متن اصلی (فرانسه)

آکادمی امپراتوری علوم، کتاب بسیار مهم فرهنگ جغرافیایی امپراتوری عثمانی را که آقای موستراس کنسول روسیه در ازمیر (در گذشته به روز سوم آوریل/نیسان ۱۸۷۱) تألیف کرده‌اند، به شما تقدیم می‌کند (۱۸۶۳م).

شکی نیست که برخی تصحیحات بر تقسیمات اداری امپراتوری عثمانی صورت گرفته، اما نام روستاهای همچنان بدون دگرگونی باقی مانده است؛ بر همین اساس کتاب موستراس که هیچ کابی نمی‌تواند جای آن را بگیرد، در نوع خود همواره اهمیت خود را حفظ کرده است. این کتاب در مجموع شامل ۱۹۹۸ موضوع (مکان) است که هر یک از این موضوعات، با نام جغرافیایی عثمانی جدید که با حروف عربی نوشته شده است آغاز می‌شود؛ موضوعات بر حسب ترتیب الفبایی عثمانی [تا حد زیادی مطابق با ترتیب الفبایی عربی] مرتب شده است.

تمامی نام‌های موضوعات (مکان‌ها) براساس صورت واژه فرانسوی آن ذیل شده است؛ به استثنای ۳۰۲ مکان که اختلافات گسترده‌ای در معناشناسی صوتی داشتند. در این موارد نویسنده به برگردان آنها به دیگر موضوعات بدون تصرف در شرح‌های جغرافیایی آنها بسته کرده است. نویسنده یک فهرست الفبایی از نام روستاهای باستانی را که شامل ۷۶۸ نام است، به کتاب ضمیمه کرده است.

برای اینکه کتاب را در دسترس خواننده ناآشنا به الفبای عثمانی و نوشتن نام‌های عثمانی قرار دهیم، علاوه بر فهرست مفصل الفبایی، خواننده با لیستی از نام‌های قدیمی که در ذیل کتاب خطی آمده است، روبرو می‌شود. تمامی نام‌های عثمانی با صورت فرانسوی آنها و تمامی نام‌های محلی

و تعداد بسیاری از نام مکان‌هایی که نویسنده در شرح‌های جغرافیایی آنها بیان کرده، آنها را به موضوعی خاص اختصاص نداده است. این فهرست ۳۴۹۲ مکان را در بر می‌گیرد. در پاورقی‌های فهرست (۲۵۹ پاورقی)، خواننده با صورت فرانسوی نام‌ها رو به رو می‌شود و می‌تواند تفاوت نام‌هایی را که از متن افتاده‌اند ببیند.

به طور کلی هنگام چاپ این فرهنگ جغرافیایی امپراتوری عثمانی، تغییری در شکل فرانسوی نام‌ها - که نویسنده به آن اعتماد کرده - یا معادل‌سازی و تصحیح در متن موضوعات انجام نشده است.

در آنچه که به شکل فرانسوی کلمات مرتبط است، آقای موستراس بر مشاهداتی که ممکن است مورد توجه واقع شود، پیشی گرفته و در مقدمه‌اش گفته است: نام‌های عثمانی را با آن لفظی که بیشتر متداول است قرار داده است؛ بر همین اساس متوجه شدیم که وقتی می‌نویسد: بوردور، بولدور بخوانیم (ص ۱۴۴)؛ مگنیسا را مانیسا بخوانیم (ص ۳۸۹)؛ تیمورجی را دمیرچی بخوانیم (ص ۲۲۵)؛ نارتہ را ناردہ بخوانیم (ص ۴۰۰)؛ پنچشنبه را پرشنبه بخوانیم و درنهایت اینکه شنبه یک بار با E (مانند Persehénbéh، ص ۱۷۱) و بار دیگر با A نگاشته می‌شود (مانند چهارشنبه، ص ۲۰۱)؛ و کلمة شهر Sehehr که جزوی از برخی نام‌های است: شهیر Shéhir تلفظ می‌شود (مثلاً به ماده اقچه شهر و ماده یکی شهری آیدین و بسیاری از اینها نگاه کنید).

به نسبت متن موضوعات، لازم به ذکر است که نویسنده همانند آنچه که آقای درن عضو آکادمی فرانسه، در ملاحظات خود بر این کتاب می‌فرمایند، آن زمان که نویسنده نام‌ها و ریشه‌های لاتین آبادی‌های باستانی را می‌آورد، همیشه ملزم به الفبای ابجدی مرسوم نیست؛ درنتیجه نوشته می‌شود:

Cxsarea به جای Bosphorus به جای Amasia؛ Amasea به جای Emesa؛ Cxsarea Palastinae به جای Palastinae نوشته می‌شود.

شباط، ۱۸۷۳م

ل. بروسیه

L.Brousset

## مقدمه نویسنده متن اصلی

امپراتوری عثمانی از دو قسمت بزرگ «ترکیه اروپایی» و «ترکیه آسیایی» تشکیل شده است. هر یک از این دو قسمت از نظر اداری به تعدادی امارت (حاکم‌نشین) تقسیم می‌شود؛ یعنی حکومت‌های عمومی؛ و آن به نوبه خود به شهرستان‌ها یعنی حکومت‌های مناطق؛ و شهرستان‌ها به شهرها و قضا به نواحی تقسیم می‌شود. در هر امارت یک والی حکم می‌راند و او تحت نظارت قائم مقام (ملکت)، شهرستان‌هایی را که به امارت او ضمیمه شده است، اداره می‌کند. بر هر شهری یک مدیر فرمان می‌راند و نواحی را یک صاحب اختیار اداره می‌کند.

ترکیه اروپایی یا زده امارت (حاکم‌نشین) دارد که عبارت است از:

- ۱ امارت ادرنه که شامل شش شهرستان به نام سِلُوری، تکفور طاغی و ویزه (هر دو با هم)، کلیولی، ادرنه و قرق کلیسا (هر دو با هم)، قِلبه و إسلامیه است.
- ۲ امارت سِلِستره (پایتخت آن شهر رُسْجَ است) که مشتمل بر شش شهرستان به نام ورنه، شُومله (شمنی)، روسيچق، طولچی، هراز غراد، مجيدیه، سُنه و طُرنوی می‌باشد.
- ۳ امارت ویدین که دارای دو شهرستان به نام ویدین و لوفچه است.
- ۴ امارت نیش که دارای چهار شهرستان به نام نیش، صوفیه، صماقو و کوستنديل است.
- ۵ امارت أُسكوب که دو شهرستان أُسكوب، پرزرین و پرشته (هر دو با هم) در آن واقع است.
- ۶ امارت بوسنه (که پایتخت آن شهر بوسنه‌سرای است) و شامل هفت شهرستان به نام

- إِزُورْنِيْق، بُوْسَنَه، بَنالوقه و طراونِيک كِلِيس (هر دو با هم)، بِهِكَه، يانى پازار و هرسک می باشد که پایتخت هرسک، شهر موستان است.
- ٧ امارت روم إِيلی (که پایتخت آن شهر مناستیر است) و چهار شهرستان به نام إِشْقُودَرَه، أُوخرى، مناستير و كَسْرِيَّه دارد.
- ٨ امارت يانیه که دارای پنج شهرستان به نام برات و أولونیه (هر دو باهم)، أرگرى قسرى و دلوپه (هر دو باهم)، يانیه، پِرَه وَزَه و تِرَحَالَه است. پایتخت شهر تِرَحَالَه، يکی شِهْرَفَنَار می باشد.
- ٩ امارت سِلانيک که سه شهرستان سِلانيک، سِيرُوز و دراما در آن واقع است.
- ١٠ امارت جزیره کریت (که پایتخت آن شهر حانیه است)؛ سه شهرستان به نام حانیه، رتمو و قندیه را شامل می شود.
- ١١ امارت جزایر ارخیل عثمانی؛ که شامل جزیره مدallo (پایتخت این امارت است)، بوغچه أطاسی، لمِنی، ساقز أطاسی، إستانکوی، رودوس(رودس)، قبرس و سیسام أطاسی می باشد. جزو ناحیه اداری است. جزیره سیسام أطاسی (یا ساموس) نیز یکی از شهرستان های امارت جزایر ارخیل است. هر چند از اداره ویژه و امتیازات خاص برخوردار است و یک امیر مسیحی که از طرف باب عالی تعیین می شود، بر آن حکومت می کند.

ترکیه آسیایی [آناتولی] هجدۀ امارت دارد که عبارت است از:

- ١ امارت خُداونِدَگار (که پایتخت آن شهر بورسه یا بروسا است) و مشتمل بر هشت شهرستان قُوجَه إِيلی (پایتخت آن شهر إِزمید)، خُداونِدَگار (پایتخت آن شهر بورسه یا بروسا)، کوتاهیه و سلطان أونو (هر دو باهم)، قَرَه حصار صاحب (پایتخت آن شهر أفيون قَرَه حصار)، أَرْدَك و قَرَه سَهی (پایتخت آن شهر بالیکسری)، بیغا و آیوالق است.
- ٢ امارت آیدین (پایتخت آن شهر إِزمیر است) و در آن پنج شهرستان به نام صاروخان (پایتخت آن شهر مانیسا)، صوغله (پایتخت آن شهر إِزمیر)، آیدین (پایتخت آن شهر آیدین گوزل حصار)، منتشا (پایتخت آن شهر موغله) و دگزلی واقع است.
- ٣ امارت قرامان (پایتخت آن شهر قونیه است)؛ دارای هفت شهرستان به نام حَمِيد (پایتخت آن شهر إِسپارتَه)، بُورُدُور و تِکَه (پایتخت آن شهر آنتالیا)، علائیه و إِیچ إِيل

- (پایتحت آن شهر ارمناک)، قونیه و نیکده است.
- ۴ امارت أَدْنَه یا أَصْنَه؛ که در آن پنج شهرستان طرسوس، أَدْنَه، قَرَه عِسَالُو، عَزِيزِ Uzéir و مرعش واقع است.
- ۵ امارت بُوزَاوُوق (پایتحت آن شهر يُوزغاد<sup>۱</sup>)؛ که از پنج شهرستان به نام قیصریه، بوزاوق (پایتحت آن شهر يوزغاد)، آنکارا، کنگری و قُوچقُرلی تشکیل شده است.
- ۶ امارت قسطمونی؛ که در آن چهار شهرستان بولی، ویرانشِهر، قسطمونی و سینوب واقع است.
- ۷ امارت سیواس<sup>۲</sup> که دارای دو شهرستان به نام آمامیه و سیواس است.
- ۸ امارت ترابوزان؛ که مشتمل بر شش شهرستان جانیک (پایتحت آن شهر صامسون)، أَرْدُو (پایتحت آن شهر كِيرمُسُون)، قره‌حصار شرقی (پایتحت آن شهر قره‌حصار شابین)، گومشخانه، ترابوزان و لازستان (پایتحت آن شهر باطوم) می‌باشد.
- ۹ امارت ارضروم (ارزروم)؛ که پنج شهرستان چلدر، قارص، أَرْضُرُوم (ارزروم)، بایزید و موش در آن واقع است.
- ۱۰ امارت وان؛ که مشتمل بر سه شهرستان به نام حَكَاری (پایتحت آن شهر جُولامَرَک)، وان و موصل است.
- ۱۱ امارت کردستان (پایتحت آن شهر دیاربکر)؛ دارای سه شهرستان به نام ماردین، إسْعُرْد (سُورْد) و دیاربکر است.
- ۱۲ امارت خربوت؛ که چهار شهرستان مَعَادن (پایتحت آن شهر مَعَدِنْ أَرْغَنِی)، خربوط و ملاطیه (هر دو با هم)، سورک و درسم در آن واقع است.
- ۱۳ امارت حلب؛ که شامل شش شهرستان حلب، عِتَاب، طوز، بیلان، أَنْطاكيه و رقّه (پایتحت آن شهر أُورفه) می‌باشد.
- ۱۴ امارت صیدا (پایتحت آن شهر بیروت)؛ که در آن نه شهرستان به نام لاذقیه، طرابلس شام، جبل نصاری، جبل دُرُوز، صیدا، بلاد بشاره (پایتحت آن شهر تیفِن)، عکا، نابلس

<sup>۱</sup> بوزاوق و بوزاوق و بوزق Bizauk: و چهیسا نام يوزغاد بر آن امارت به صوت کامل اطلاق شده است.

<sup>۲</sup> به پیوست صفحه ۸۶ نگاه کنید (ماده إکراد جورم)، بهطوری که نامگذاری شهرستان سوم در این امارت همان شهرستان جورم (شهر کوچک) است.

<sup>۳</sup> البته در اصل فرانسوی است، ولی شاید منظور وی کوه لبنان غربی بوده است.

و جنین (هر دو با هم) و قدس واقع است.

١٥ امارت دمشق؛ که مشتمل بر چهار شهرستان دمشق، حمص، حماة و حوران است.

١٦ امارت بغداد و شِہرُزُور (هر دو با هم)؛ که پانزده شهرستان به نام سُلیمانیه، رواندز، کرکوک، زنجبار (پایتخت آن شهر کفری)، بغداد، خانقین، سامراء، بدره، خراسان (پایتخت آن شهر بعقوبَه)، دلیم (پایتخت آن شهر عانه)، کربلاه، دیوانیه (پایتخت آن شهر حَلَه)، سِماوه، منتفق (پایتخت آن شهر سرق الشیخ) و بصره دارد.

١٧ امارت حبشه (پایتخت آن شهر جُدَه)؛ که چهار شهرستان تَجَد، مَكَه، جُدَه و مدینه (پایتخت آن شهر مدینه منوره) در آن واقع است.

١٨ امارت یمن؛ که مشتمل بر پنج شهرستان به نام مُخَا، صنعا، زُبُر، لَحِيَه و أَبُو عَرِيش است.

کار ما در این فرهنگ به امپراتوری عثمانی محدود شده است و در این پژوهش‌مان هرگز وارد بخش‌های دانوب و سرزمین برابرها یا مصر که همچنان در جداول رسمی باب عالی، جزء امارت‌های (حاکم‌نشین‌های) عثمانی به شمار می‌رود، نشده‌ایم. (مصر از تنظیم ویژه و اداره مستقل بهره‌مند است) بر این اساس ما از مصر جز آن قسمت که به آبادی‌های کهن (bastani) از میان رفته مربوط می‌شود، چیزی نیاورده‌ایم. در این فرهنگ، هر جا به نام شهر یا شهر کوچک و حتی به آبادی برخوردیم که به موقعیت شهری کهن ارتباط داشت، نام قدیم آن را یافتیم و به دنبال آن خلاصه‌ای تاریخی آوردیم.

برای این امر، به نویسنده‌گان بزرگ و بهترین نقشه‌های قدیمی و جدید رجوع کرد و برای ثبت هرچه دقیق‌تر آن به مقابله آنها با معلوماتی که در دسترس اینجانب بود، پرداختم. این فرهنگ چیزی جز نتایج به دست آمده از فعالیت طولانی با دسترسی به معلوماتی ضعیف نبوده و نمی‌تواند باشد. این کار مستلزم صبر و استقامتی بسیار از جانب من بود و با تأکید می‌گوییم که این کار نقص بسیار داشته و دارد. امیدوارم که شخص شایسته‌ای به اتمام این فعالیت اقدام کند (هرچند کوچک)؛ زیرا فعالیتی است که در نوع خود یگانه است.

آنچه ما را بر آن داشت که بر حروف عثمانی برای نگاشتن اعتماد (تکیه) کنیم، بیان کلمات عثمانی یا عربی به حروف لاتین بود، آن‌هم به صحیح‌ترین صورت ممکن که پیدا کردن آنها را در فرهنگ‌ها آسان کند. برای نمونه مثالی می‌آوریم: کلمه بناز، بُناز، بیناز، بوناز

بیان می‌شود و کلمه کوشک که: کوشک، کوشیک، غوشک و کوشک بیان می‌شود. پس کسانی که به دنبال این نام‌ها و صدھا نام دیگر (که ضمن چارچوبی مشکل قرار دارد) می‌باشند، در تخمین هر یک از این الفاظ پنج یا شش گانه که ما در این کتاب برگزیده‌ایم، مجبور به تعديل آنها می‌شوند و بدین ترتیب از مشکل آنها کاسته می‌شود.

همان‌طور که جلوتر بیان شد، کلمات را به حروف عثمانی آورده و به دنبال آن، لفظ پراستعمال لاتین آنها را آورده‌ایم.

هِجای (آوانگاری) عثمانی همان هِجای مورد اعتماد و رسمی نزد باب عالی است، اما ما در برگرداندن مدخل‌های (عنوان‌های) دیگر برای یک موضوع حرص ورزیده‌ایم؛ هرچند که این امر موجودیت بیشماری از صورت‌ها را دربردارد.

در پایان لازم است گفته شود که برای سهولت کار کسانی که زبان ترکی نمی‌دانند، اما به جست‌وجو در این فرهنگ مشتاق‌اند تا نام کنونی یک شهر قدیمی و محل قرار گرفتن آن را بدانند، در پایان کتاب یک فهرست القابی از نام همه شهرهای قدیمی همراه با نام‌گذاری جدید آنها به زبان لاتینی و همراه با نام تغییریافته آنها در این معجم را آورده‌ایم.